

ساختمان ریاست امور زنان غور افتتاح شد



روز شنبه، تاریخ 89/7/3 تعمیر ریاست امور زنان ولایت غور افتتاح شد. این پروژه در دوطبقه و به هزینه 13 میلیون و 600 هزار افغانی از بودجه انکشافی وزارت امور زنان اعمار گردیده است که دارای 9 اتاق، دو سالون بزرگ، یک آشپزخانه، یک انبار خانه وسایر سهولت ها می باشد. کار ساخت و ساز این ساختمان که توسط شرکت ساختمانی عطایی به تاریخ 16/3/88 آغاز یافته بود به تاریخ 89/7/1 با کیفیت عالی به اتمام رسید و به تاریخ 7/3 توسط سید محمد اقبال منیب والی غور با قطع نوار رسماً به بهره برداری سپرده شد. خانم معصومه انوری رییس امور زنان ولایت غور هنگام گشایش این ساختمان، ضمن تشکر از برنامه های بازسازی جمهوری اسلامی افغانستان -

یاد آور شد که: با اعمار این تعمیر مشکلات ریاست امور زنان از لحاظ دفتر کاملاً رفع خواهد گردید. همچنان موصوف علاوه کرد که ما، در گذشته از بابت جای، هنگام برگزاری سمینارها و کارگاه ها مشکلات زیادی داشتیم که حالا ما می توانیم از سالون های بزرگ این ساختمان برای این گونه مقاصد آموزشی استفاده نماییم. خانم انوری در اخیر سخنان خویش از مردم غور دعوت به عمل آورد که برای تأمین صلح وامنیت در ولایت خود تلاش نمایند و به دولت فرصت بدهند و همکاری نمایند تا بتواند برنامه های عمرانی خویش را بیشتر از پیش در این ولایت اجراء نماید.

دفاعیه دولت

من دولت افغانستان هستم. در سال 1381 خورشیدی با این شکل و شمایل کنونی خود برای خدمت به مردم پا به میدان گذاشتم. دولت های قبل از من و بی دولتی های قبل از من، خرابی های بسیاری به بار آورده بودند. وقتی من به نام دولت جدید، وارد کار شدم مردم واقعاً از من به گرمی استقبال کردند و مرا مورد حمایت و محبت خویش قرار دادند. من کارهای خودم را خوش خوش شروع کردم. پولهای زیادی از جانب کشورهای دیگر جذب نمودم. جامعه جهانی قویاً از من حمایت کردند و مردم افغانستان از من خیلی راضی بودند. قبول می کنم که من از بی تجربه گی بعضی کارهای اشتباهی هم انجام دادم، اما کارهای خوبی بسیاری هم کردم. من سرک ساختم، من مکتب ساختم، در زمان من کمیته متعلمین و محصلین بسیار بالا رفت، امنیت در مقایسه با دوره طالبان و قبل از آن به صورت قابل ملاحظه بهبود پیدا نمود، اقتصاد مردم واقعاً رشد کرد، تجارت رونق گرفت، فابریکه ها تأسیس شد، صادرات و واردات افزایش یافت، افغانستان به عنوان یک کشور در عرصه بین المللی شناخته شد، اداره ها تأسیس گردید و ظرفیت آنها آهسته آهسته بهبودی حاصل نمود، پارلمان ایجاد شد، انتخابات ها انجام یافت، اردوی ملی و پولیس ملی ساخته شد، بانک ها به وجود آمد، رسانه ها مخصوصاً رشد کرد، تلویزیون های مختلف و مطبوعات گوناگون چاپی و نوشتاری به میان آمد، عواید گمرکات و مالیات بالا رفت، اداره افغانستان از شکل جبهه ای به شکل عصری تغییر کرد؛ هر چند فساد اداری لطمه های بزرگی برپیکر من وارد کرد؛ ولی به هر حال یک اداره ای به وجود آمد و حساب و کتابی اساس گذاشته شد. در هر صورت حالا من ناگزیرم به خاطر حفظ آبرو و بقای خویش هم که شده ریشه این پدیده شوم و بدنام را بزمن و مردم را از خود راضی سازم. اگر واقعیت را انکار نکنیم من کارهای چشمگیری انجام دادم. من به قریه های شما هم بسیار کار کردم. من سرک های روستایی را بنا کردم و تمام فشاخ ها را به همدیگر وصل ساختم. من به مردم گندم و روغن مساعدت کردم. من بند برق آبی کوچک اعمار ساختم، من به قریه سولر آوردم، من پای تلویزیون را به قریه کشاندم، من به قریه آب آشامیدنی صحتی آوردم، من به قریه مکتب آوردم، من به برخی از قریه ها کلینیک و یا مرکز صحتی آماده کردم، این ها همه کار بود و کارهای دیگری هم هست که می خواهم در آینده آنها را انجام دهم. اعتراف می کنم که خیلی بهتر از این ممکن بود که کارها را سامان بدهم و خویتر مدیریت نمایم، اما به دلایل و علل مختلف این کار را نتوانستم و از شما مردم شریف صمیمانه معذرت می خواهم. شاید شما از من کاملاً راضی نباشید، فکر می کنم این ناراضی شما دو علت داشته باشد: یکی اینکه مردم واقعاً بیش از توانایی های من از من انتظار داشتند و نمی شد که خرابی چندین ساله را به یک شب جبران نمایم. دوم اینکه من نتوانستم همین کارهای کردگی خودم را هم، به مردم نشان بدهم و بگویم که آقا من این کارها را کردم و شما لطفاً چشم تان را به روی اینها پت نکنید. واقعیت این است که هیچ دولتی به اندازه من در روستاها و شهرهای شما کار نکرد. درست است که پول بیشتری به دست من رسید؛ ولی دولتهای سابق هم پولهای بسیاری در دست داشتند و هیچ کاری نکردند و بعضی ها شان چهل سال تمام راحت خواب کردند. باز هم قبول می کنم که کمی و کاستی های بسیاری داشتم و دارم؛ ولی یقین دارم که اگر شما مردم مرا همکاری کنید و در کنار من بایستید و پایه های مرا محکم نمایید، من خودم را اصلاح می کنم و کارهای بزرگ و سرنوشت سازی برای شما انجام می دهم. پس بیایید از همدیگر حمایت نمایم و به خاطر تعیین سرنوشت خویش خودمان هم سهم مان را ادا نمایم در غیر آن صورت به یاد تان باشد که اگر من نباشم همان طالب است و همان کیبل و همان آش و همان کاسه و خدا می داند که چه بدبختی های دیگر.

نیایش

دکتر علی شریعتی

خدایا! عقیده مرا از دست عقده ام مصون بدار.
 خدایا! به من قدرت تحمل عقیده مخالف، ارزانی کن.
 خدایا! مرا همواره آگاه و هوشیار دار تا پیش از شناختن درست و کامل کسی یافکری (مثبت یا منفی) قضاوت نکنم.
 خدایا! چگونه زیستن را تو به من بیاموز، چگونه مردن را خود خواهم دانست.
 خدایا! رحمت کن تا ایمان، نام ونان برایم نیاورد.
 خدایا! به روشنفکرانی که اقتصاد را اصل می دانند بیاموز که: اقتصاد هدف نیست، و به مذهبی ها که کمال را هدف می دانند بیاموز که: اقتصاد هم اصل است.
 ای خداوند! به علمای ما مسوولیت، و به عوام ما علم، و به مؤمنان ما روشنایی، و به روشنفکران ما ایمان، و به متعصبین ما فهم، و به فهمیدگان ما تعصب، و به زنان ما شعور، و به مردان ما شرف، و به پیران ما آگاهی، و به جوانان ما اصالت، و به استاتید ما عقیده، و به دانشجویان ما... نیز عقیده، و به خفتگان ما بیداری، و به بیداران ما اراده، و به مبلغان ما حقیقت، و به دینداران ما دین، و به نویسندگان ما تعهد، و به هنرمندان ما درد، و به شاعران ما شعور، و به محققان ما هدف، و به نومیدان ما امید، و به ضعیفان ما نیرو، و به محافظه کاران ما گستاخی، و به نشستگان ما قیام، و به راکدان ما تکان، و به مردگان ما حیات، و به کوران ما نگاه، و به خاموشان ما فریاد، و به مسلمانان ما قرآن... و به حسودان ما شفا، و به خودبینان ما انصاف، و به فحاشان ما ادب، و به مجاهدان ما صبر، و به مردم ما خودآگاهی و به همه ملت ما، همتِ تصمیم و استعداد فداکاری و شایستگیِ نجات و عزت ببخش!
 خدایا! به من توفیق تلاش در شکست، صبر در نومیدی، رفتن بی همراه، جهاد بی سلاح، کار بی پاداش، فداکاری در سکوت، دین بی دنیا، مذهب بی عوام، عظمت بی نام، خدمت بی نان، مناعت بی غرور، عشق بی هوس، ... و دوست داشتن بی آنکه دوست بداند، روزی کن! دوستان!
 در فصلی بدی هستیم و من تمام امیدم و همه ایمانم به شما جوان های آزاداندیش و آگاه است. به هر حال آنهای که به جایی رسیده اند: علم دارند، حیثیت اجتماعی دارند، پول دارند و پُست دارند، مسوولیت شان بیشتر از حفظ آنچه دارند نیست؛ اما شما ها که هنوز نعمت محرومیت را دارید، شاید بتوانید برای نجات تمام آنچه از دست می رود و آنچه فراموش می شود، کاری بکنید...

افتخار میکنم که...

کتاب می خوانید؟ چه کتابی؟

بلی بیشتر در مورد مسایل سیاسی و حقوقی و همچنان کتابهای داستانی و سرگرمی.

راستی آشپزی تان چطور است؟

مُجم. این را از دیگه ها باید پرسید، فکرمی کنم خیلی بد نباشد.

در خانواده، فکرمی کنید آدم بهتر است فرزند کوچک باشد یا بزرگ؟

بهرتر است آدم فرزند کوچک باشد، چون همه آدمه نوازش می کنند و هرچه بخواهی آماده می سازند.

خوش دارین کسی به شما تحفه بدهد؟

بلی. تحفه گرفتن را هرکس شاید خوش داشته باشه. من هم دوست دارم در روز

تولد یا اگر کدام موفقیته به دست بیارم از طرف خانواده یا خواهرخوانده ها و یاهمصنفی هایم تحفه بگیرم.

خانم عرفانی از اینکه دختر هستین راضی هستین؟

بلی، تازه افتخار هم می کنم که یک دختر هستم. بدون زنان می دانید که زندگی انسانها از بین می رود. اما فکر می کنم که پسرها در شرایط فعلی زمینه رشد بیشتری دارند.

خوب، چطو شد که به سیاست علاقه مند شدید؟

چون فکر کردم از این طریق بیشتری توانم به مردم خدمت کنم. در ضمن خانواده و دوستانم هم تشویق کردند.

فکرمی کنید تنها از طریق سیاست میشه خدمت کرد؟

نخیر، از طریق های دیگر هم میشه؛ مثلاً: معلمی، کار در یک اداره و غیره؛ اما من این راه را انتخاب کردم.

وقتی خود را کاندید کردید، فکرمی کردید پیروزمی شوید؟

بلی اگر امید نمی داشتم کاندید نمی کردم ولی خیلی مطمئن نبودم. اما چون مردم مرا تشویق کرده بودند و حمایت می کردند انتظار کامیابی داشتم.

حالا از اینکه وکیل مردم در شورای ولایتی هستید فکرمی کنید کار

خوب کردید؟

از یک طرف راضی هستم اما از جانب دیگر مشکلاتی هم است. مثلاً ما نمی توانیم انتظارات مردم را برآورده کنیم، هماهنگی با ادارات حکومتی خوب نیست، در جامعه مدنی که کار می کردم خیلی راحت بود.

فکرمی کنید اول تحصیل بعدش سیاست و کار یا برعکس؟

اول تحصیل بعد کار.

چرا شما این کار را نکردید؟

خوب شرایط مساعد نبود. در سال اول به رشته دلخواه خود موفق نشدم و بعد

مصروف این کارها شدم ولی حالا در دارالمعلمین درس می خوانم.

پیام شما به دیگر دخترها چه است؟

پیام من این است که باید درس بخوانند و به جامعه خود خدمت کنند، از هر طریقی که باشد فرق نمی کند. اگر کار سیاسی هم بکنند که چه بهتر.

کار کردن در شورای ولایتی با همکاران مرد تان راحت تر است یا

همکاران زن؟

فرقی ندارد. ماهه همکار هستیم و هدف مشترک داریم. مردها و زنها هر کدام استعدادهای دارند که در جامعه به درد می خورد.

در آینده چه پلانی دارید؟ (البته ازدواج خوگپ حتمی است)

(خنده) آرزوی تحصیل دارم. پلان دارم که اگر شد دوباره وکیل مردم باشم و در مجموع دنبال سیاست هستم.

خوب، بسیار تشکر که وقت تان را در اختیار ما قرار دادید. برای شما

موفقیتهای بیشتری خواهیم.

از شما هم تشکر. سلامت باشید.

پایان موفقیت آمیز اعتصاب چغچران

شهریان چغچران (فیروزکوه) به ابتکار اصناف شهر، اصحاب بازار و نهادهای مدنی از تاریخ 3 - 5 ماه جاری در اعتراض به توقف کار قیر ریزی سرکهای داخل شهر، در یک اعتصاب مدنی و مسالمت آمیز تمام دکان های شهر را بستند و باگشت زنی توسط موتر در داخل شهر و اجتماع در مساجد، خواسته های خود را به گوش مقام های بالا رسانیدند. اعتصاب چی ها، طی یک قطعنامه خواهان اعمار سرک کابل-هرات از مسیر غور و اعمار بند برق بالای دریای هریرود شدند. خواسته دیگر آنها، از سرگیری کار قیر ریزی 2.2 کیلومتر سرک داخل شهر و مجازات مسوولین شرکت فراری افغان - جرمن بود. همچنان اعتصاب کنندگان در قطعنامه شان خواهان ورود یک هیأت بلند پایه دولتی به غور شده بودند که به همین اساس یک هیأت عالی رتبه به تاریخ 7/5 از کابل وارد شهر چغچران شد و بعد از مذاکرات داغ و طولانی سرانجام هیأت، توانست قناعت اعتصاب کنندگان را فراهم سازد تا آنها به اعتصاب مسالمت آمیز و مدنی خویش پایان دهند. آنچه قابل توجه است این است که مردم غور در این اعتراض مدنی، از فرهنگ و شعور سیاسی و مدنی بالایی کار گرفتند و خواسته های خود را به شکل مسالمت آمیز از طریق اعتصاب و تحصن دنبال نمودند و توانستند که یک امر بزرگ و مهم را بدون کدام حادثه و پیش آمد ناگواری خاتمه ببخشند و خواسته خویش را به دست بیاورند. امید می رود چنین رفتار های مدنی و مسالمت آمیز آینده خوب و درخشانی برای غوریان به ارمغان آورد

میدان ورزشی در لیسه سلطان رضیه



روز سه شنبه 89/7/6 سنگ تهاداب میدان والیبال و بسکتبال در مکتب سلطان رضیه باحضور معاون تدریسی معارف، نمایندگان شورای ولایتی، آموزش ولایت، نماینده USAID، رییس ارگان ملی و مسوولین مکتب گذاشته شد. محمد حسن حکیمی رییس ارگان ملی جوانان حین تهاداب گذاری گفت که این پروژه به اثر سعی و تلاش ارگان ملی گرفته شده که هزینه آن به 13520 دالر آمریکایی بالغ می گردد و از جانب سفارت ایالات متحد امریکا پرداخته شده است که به وسیله شرکت ساختمانی تابش امید تطبیق می گردد. خانم فریده ناصری مدیر لیسه سلطان رضیه ضمن تشکر از کمک کنندگان این پروژه، خاطر نشان ساخت که ورزش برای صحت و سلامتی بسیار مهم می باشد و ما تا هنوز از بابت میدان ورزشی بسیار دچار مشکلات بودیم که بعد از اعمار این میدان، شاگردان ما می توانند به شکل درست تر به ورزش خود بپردازند و از صحت و سلامتی خود به صورت بهتر مراقبت نمایند.

معلومات عمومی در باب

معارف غور. سال 1389

- 1- تعداد متعلمین اناث در ولایت غور 72554 تن
- 2- تعداد متعلمین ذکور در ولایت غور 143771 تن
- 3- تعداد مجموعی متعلمین ولایت غور 216325 تن
- 4- تعداد مجموعی معلمین در ولایت غور 3076 تن
- 5- تعداد مجموعی مکاتب در ولایت غور 702 باب
- 6- تعداد مکاتب دارای تعمیر 75 باب
- 7- تعداد مکاتب در حال کار 103 باب
- 8- تعداد مکاتب بدون تعمیر 524 باب
- 9- تعداد لیسه های ذکور 88 باب
- 10- تعداد لیسه های اناث 20 باب
- 11- تعداد مکاتب متوسطه ذکور 126 باب
- 12- تعداد مکاتب متوسطه اناث 31 باب
- 13- تعداد مکاتب ابتداییه ذکور 308 باب
- 14- تعداد مکاتب ابتداییه اناث 115 باب
- 15- تعداد مدارس دینی در ولایت غور 12 باب
- 16- تعداد دارالمعلمین 1 باب
- 17- تعداد دارالمعلمین الحاقیه 2 باب
- 18- لیسه زراعت 1 باب
- 19- تعداد مامورین ریاست معارف 157 تن
- 20- اجیران خدماتی 874 تن
- 21- مجموع پرسونل معارف 4737 تن
- 22- تعداد مکاتب محلی در چهارواحد اداری 174 باب
- 23- تعداد معلمین در مکاتب محلی 174 تن
- 24- تعداد بکس های مکتبی توزیع شده 19688 بسته
- 25- تعداد کیت های شاگرد توزیع شده 2679 کیت
- 26- تعداد کیت های معلم توزیع شده 1750 کیت
- 27- تعداد کتب توزیع شده از صنوف اول- ششم 350136 جلد
- 28- تعداد کتب رهنمای معلم توزیع شده 2000 جلد

رابطه هدف و وسیله از منظر دینی

نبی ساقی

با سرنیزه مقابله کنیم؟ خیر به هیچ وجه چنین نیست و چسبیدن به وسایلی از کار افتاده به درد نخور، جز غلط فهمیدن اسلام چیز دیگری نیست. بنا بر این وسیله نه مقدس است و نه دایمی آنچه مهم است، هدف است که باید همیشه در روشنایی آن گام برداشت و از هر وسیله ممکن و مشروعی مطابق شرایط واحوال استفاده کرد. یک اصل یا یک هدف دیگر در اسلام (که ممکن است خودش برای خود اهدافی داشته باشد) حج رفتن و زیارت کعبه شریف است. در زمانه های سابق، این هدف به وسیله اسب و اشتر و کشتی چوبی و غیره بر آورده می شد؛ اما امروزه حاجیان به کمک هواپیما به ادای فریضة حج می روند و این یعنی به دست آوردن هدف توسط وسیله مروج در زمان حاضر.

اصل دیگر در اسلام تبلیغ و دعوت و رسانیدن پیام اسلام به انسانها در جاهای مختلف است که در زمانه های قدیم با وسایلی چون: قاصد، نامه، کتاب و غیره صورت می گرفت. امروزه وسایل و روش های عصری تری چون انترنیت، رادیو-تلویزیون، سی دی و ... به آنها علاوه شده که به کمک این وسایل، بهتر و زود ترمی توان به آن هدف نایل آمد.

همین طور تأمین عدالت در جامعه یکی از اصول اساسی و اهداف اصلی اسلام می باشد که برای رسیدن به این مأمول؛ شیوه های متفاوت و گوناگونی مطابق شرایط زمان و مکان در نظر گرفته شده است؛ مثلاً برای اثبات جرم در گذشته به روش های چون «شهادت» و «اقرار» و این قبیل شیوه ها تکیه می شد؛ امروزه در کنار اینها روشهای اثباتی دیگری مانند: عکس، تصویر و صدا، آزمایش خون، نشان انگشت و غیره نیز کشف شده که ما را در رسیدن به هدف مان که تأمین عدالت است بهتر یاری می رسانند؛ لذا خوب است که ما مسلمانان در قدم اول اهداف و وسایل را از همدیگر تفکیک نماییم و برای رسیدن به آن اهداف از وسایل و روشهای مناسب و مؤثر و مفید استفاده کنیم تا زود تر و بهتر بتوانیم اهداف مان را به دست بیاوریم. این مسأله کمک می کند که از یک طرف زودتر به هدف مورد نظر برسیم و از جانب دیگر ما را متوجه می سازد که وسیله ها متفاوت و گوناگون هستند و انسانهای دیگری برعکس ما ممکن است برای رسیدن به اهداف اسلامی از وسایل دیگری استفاده نمایند و این کار آنها به معنای مخالفت با اسلام نیست؛ بلکه آنها به خاطر رسیدن به همان هدف نیکو، مطابق شرایط و زمان و مکان از وسیله یا شیوه دیگری استفاده می کنند. بنا بر این با شناخت هدف و وسیله یکی از مسایل جنجال برانگیز ما حل می شود و همه پی می بریم که وسیله ها متفاوت و متنوع هستند و از شرایط زمانی و مکانی و غیره تبعیت می کنند و استفاده کردن یا نکردن از فلان وسیله به معنای مخالفت با هدف نمی باشد.

باهمه آنچه گفته شد یک چیز دیگر را نشاید ناگفته رد شد که برای رسیدن به هدف نمی توان از هر وسیله ممکن استفاده کرد. بدین معنا که به منظور رفتن به حج نمی توان به دزدی متوسل شد یا برای اقرار گرفتن از کسی (به خاطر تأمین عدالت) به ضرب و شتم و دم برق دادن و بیدار / خوابی دادن روی آورد. وسیله وقتی قابل قبول و اسلامی است که فلاح و صلاح انسان و رضایت شارع در آن در نظر گرفته شده باشد و به سعادت جامعه اسلامی مطابق تشخیص عقلای قوم کمک نماید، بنابراین شاید بتوان نتیجه گرفت که از نظر اسلام «هدف نمی تواند وسیله را توجیه نماید» و لذا برای هدف پسندیده، روش و وسیله پسندیده و شایسته ضرورت است.

وفلاح انسان می شود خوب و پسندیده است و این اهداف باعث خیر و صلاح انسان می شود و هر چه باعث خیر و صلاح شود همیشه باید دنبال گردد و همیشه باید باقی بماند و چون اهداف اسلامی باعث خیر و صلاح انسان و جامعه می گردند بنا بر این دایمی و جاوید هستند و باید همیشه زندگی ما، در روشنایی آن اهداف و مقاصد تنظیم شود. اما این نکته را باید به خاطر داشته باشیم که امکان دارد برخی چیزهای که ما به عنوان هدف می شناسیم، خودشان اهداف و مقاصد کوتاه مدت و مقطعی باشند و برای رسیدن به اهداف اساسی تری به میان آمده باشند که در آن صورت احتمال دارد این اهداف کوچک خود شان به وسیله تحویل شوند و حکم وسیله را به خود بگیرند که در آن صورت تفکیک میان اهداف و تقسیم اهداف به اهداف اساسی و دایمی و اهداف موضعی و موقتی می تواند باعث روشن تر شدن بیشتر مطلب شود و ما را به مقصود مان نزدیکتر سازد.

این از هدف، اما بیاید ببینیم وسیله چه چیز است؟ شاید بتوان گفت که: وسیله ها یا روش ها، یک سلسله راهکارها یا فعالیت ها و یا کنش ها و واکنشهای هستند که به کمک آنها می توان به هدف مورد نظر دست یافت. وسیله هم مانند هدف ویژگی ها و مشخصاتی دارد که مهمترین آنها شاید همین ها باشد:

- 1- وسیله یک پدیده یا یک شی بشری یا طبیعی است که توسط افراد جامعه به خاطر رسیدن به هدف مورد نظر دنبال می گردد.
- 2- وسیله موقتی است و مانند هدف دایمی نیست.
- 3- وسیله تابع زمان و مکان و اوضاع و احوال می باشد.
- 4- وسیله متنوع و متکثر و متفاوت است و برای رسیدن به یک هدف ممکن است وسایل و شیوه های مختلفی وجود داشته باشد.
- 5- وسیله به ذات خود مقدس نیست؛ اما احتمال دارد که با همین وسیله به یک هدف نیک و مقدس دست یافت.

حالا بحث این است که شناختن اهداف و وسایل چرا مهم هستند؟ این مسأله از این جهت اهمیت دارد که شناختن و دانستن هدف به ما مشخص می سازد که ما دنبال چه هستیم و چه می خواهیم؟ اگر ما ندانیم که هدف ما چه است؟ نمی توانیم کارهای مان را سمت و سو بدهیم؛ لذا منطقاً قبل از هر کار، لازم است که اهداف مان را بشناسیم و به خاطر رسیدن به آنها تلاش نماییم. ثانیاً اگر ما هدف و وسیله را نشناسیم و آنها را از همدیگر تفکیک نتوانیم ممکن است اهداف خود را قربانی وسایل نماییم و در نتیجه نتوانیم به اهداف مان دست پیدا کنیم و به جای رفتن به کعبه از ترکستان سر در آوریم.

اهمیت دیگر موضوع از این زاویه است که شریعت در جامعه به هر حال در صدد پیاده شدن اهداف و مقاصد اصلی و اساسی خویش است و ممکن است کسانی پیدا شوند که اهداف و وسایل را از هم باز نشناسند و به جای اهداف به دنبال تطبیق وسایل (که رنگ زمان و مکان می گیرند) برآیند و در نتیجه تحولات اجتماعی را در نظر نگیرند و با مشکلات جدید با شیوه ها و وسیله های غیر مؤثر کهن برخورد نمایند و جامعه را به بُن بست مواجه سازند.

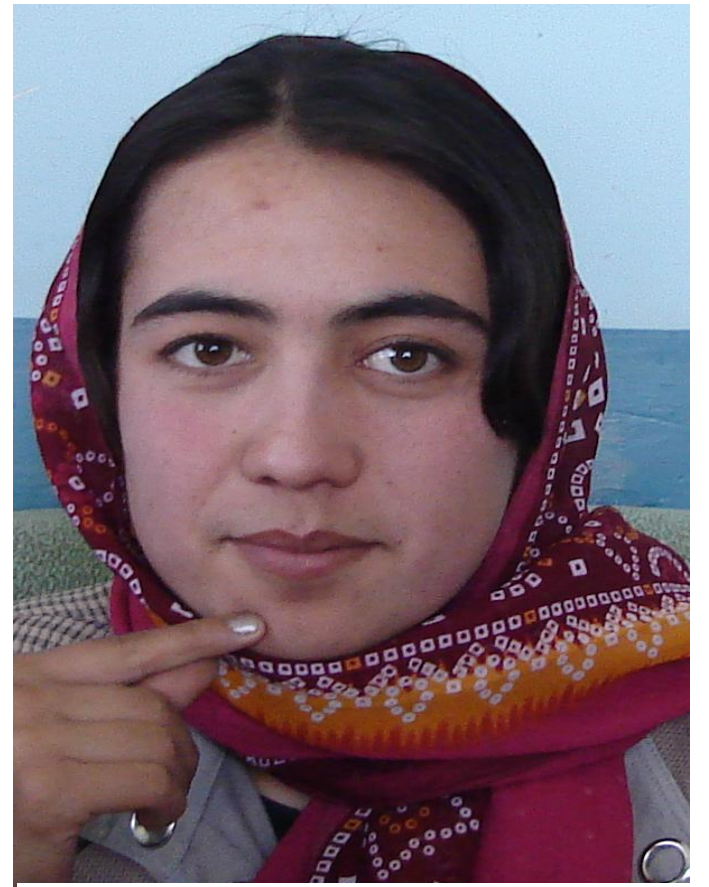
به هر حال به خاطر روشن تر شدن بیشتر مطلب خوب است که چند مثال ذکر نماییم: همه می دانیم که نظافت و پاکی در اسلام یک اصل و یک هدف است. یعنی مسلمانان باید پاک و نظیف و منظم باشند؛ اما برای این هدف یعنی پاک و نظیف بودن روش ها و وسایل گوناگون و متفاوتی مطابق شرایط زمانی و مکانی وجود داشته است. چنانچه یک وقت مسلمانان برای شستن لباس های خود در بعضی جای ها مثلاً از گیاهی به نام «اشنان» استفاده می کردند. ممکن است مردم مناطق دیگر وسیله ای دیگری داشته اند؛ اما امروزه از انواع صابون ها کار می گیرند. همین طور به خاطر نظافت و پاکی خانه، بدن (از جمله دهن و دندان) روش ها و وسیله های گوناگون و متفاوتی وجود دارد که هیچ یک از آن وسیله ها دایمی و جاویدان نیستند. آنچه مهم است و باید رعایت شود خود هدف است که همان نظافت و پاکی باشد، هر چه ما را به طهارت و پاکی برساند در صورت مشروع بودن درست است و هر کدام شان که ما را بهتر و خوبتر به هدف مان برساند قابل ترجیح است.

اصل دیگر و بالتبع هدف دیگر در اسلام مثلاً «جهاد» است. بدین معنا که در هر دور و زمانه ای، مسلمانان مأمور هستند که به خاطر اعتلای اسلام و تحکیم جامعه اسلامی به جهاد و کوشش بپردازند و لذا جهاد یک اصل است؛ اما این اصل یا هدف ممکن است به وسیله کمک مالی، توسط زبان، یا به طور دفاع مسلحانه و یا هر وسیله دیگری انجام گیرد. در گذشته، هنگام جهاد مسلحانه، مسلمانان به طور مثال از وسایلی چون اسب و شمشیر و مرکب و قاطر کار می گرفتند؛ اما آیا عاقلانه است که امروزه هم از همان وسایل ابتدایی کار بگیریم و در برابر هواپیمای بی سرنشین-



بحث رابطه هدف و وسیله یک بحث سابقه دار و طولانی است. عده ای بر این باور اند که «هدف، وسیله را توجیه می کند»، یعنی برای رسیدن به یک هدف خوب و مقدس، از هر وسیله ای می توان استفاده کرد، به شرطی که به نیت پاک و به خاطر خیر و صلاح انسان ها صورت گرفته باشد؛ اما در مقابل، کسانی دیگری از همان قدیم تا امروز مخالف این گفته هستند و عقیده دارند که: «هدف وسیله را توجیه نمی تواند.» و لذا برای رسیدن به هر هدفی باید از شیوه های مشروع و مناسب کار گرفت. حالا ما طرفدار هر کدام از این دو نظریه که باشیم، نمی توانیم انکار نماییم که انسان ها در کارهای شان اهدافی را دنبال می کنند و برای رسیدن به این اهداف؛ وسایل و روش ها و شیوه های گوناگون و متنوعی را در پیش می گیرند. اسلام هم به عنوان یک دین انسان دوست، که به خاطر سعادت دنیا و آخرت بشر نازل گردیده، به منظور صلاح و فلاح انسان و خوشنودی و رضایت پروردگار یک سلسله اهداف اخلاقی، عبادی، اجتماعی و ... ای دارد و برای نیل به آن اهداف و مقاصد؛ وسیله ها و روش های هم مطابق اوضاع و احوال زمانی و مکانی در نظر گرفته است؛ اما آنچه مهم است این است که خوب خواهد بود، ما مسلمان ها هدف و وسیله را به صورت واضح از هم تفکیک نماییم و بشناسیم که در اسلام چه چیز هدف است و چه چیز تنها یک وسیله و یا یک روش برای رسیدن به آن هدف. اگر ما تفاوت هدف و وسیله را نشناسیم و ندانیم امکان دارد که مشکلات بسیاری در زندگی اجتماعی ما به میان بیاید و ما دچار سوء تفاهات زیادی گردیم. حال سوال این است که این اهداف و وسایل کدام ها هستند و چه ویژگی های دارند؟ و چه گونه می توان آنها را از همدیگر باز شناخت؟ در یک تعریف ساده: اهداف اسلامی یک سلسله خوبی ها و یا خواسته های هستند که باعث رشد معنویت و رفاه انسان و خیر و صلاح جامعه و نجات و سعادت بشر در دو دنیا می گردند. اگر این تعریف، تاحدودی قابل قبول باشد، به کمک آن یکی از مهمترین ویژگی های اهداف، که خوبی و جاودانگی آنها باشد استنباط می گردد، بدین معنا که آنچه باعث صلاح

افتخار می کنم که یک دختر هستم!



گفتگوبا دوشیزه لیدا عرفانی وکیل شورای ولایتی

با تشکر و سپاس فراوان که وقت تان را در اختیار ما گذاشتید، میشه خواهش کنم که در اول کمی در مورد خودتان بگویید؟

لیدا عرفانی هستم. فرزند انجینیرسنگین از ولسوالی دولتیار ولایت غور.

فعلا به حیث نماینده مردم در شورای ولایتی ایفای وظیفه می نمایم.

یک و دوسوال شخصی خو انشاءالله اجازه هست؟ خانم عرفانی شما در خانواده بیشتر طرفدار مادران هستید یا پدر تان؟ یعنی کدام شانه بیشتر دوست دارین؟

وی شان واقعا بسیار مهربان هستند؛ اما فکرمی کنم شاید کمی هردوی شانه دوست دارم و هرد طرفدار مادرم باشم.

در مورد خواهران و برادران تان چطور؟

همه را دوست دارم؛ اما به نظرم، شاید آدم خردترها را بیشتر دوست داشته باشم؛ البته کلانها خو جای خود دارند.

شما موسیقی هم گوش می کنید؟ به چه کسی؟

بلی، بیشتر اوقات آهنگهای احمدظاهر.

کمی کهنه و تکراری نشده؟

خیر. مفهوم آن آهنگها کهنه نشده و همیشه نو است و نو خواهد بود.

از رنگها کدامیشه بیشتر خوش دارین؟

فکر کنم رنگ آبی

از غذاها چه؟

از نوشیدنی ها چای سیاه و ککو واز خوردنی ها منتو (خنده)

دو کلمه ای که به نظر شما مهم هستند؛ بفرمایید.

صلح، موفقیّت.

بقیه به صفحه 2

دلالتان سیاست و سوء استفاده از ملت!

محمد حسن حکیمی

سیاست به مفهوم روش های نیک و پسندیده برای اداره امور جامعه و حل مشکلات مردم و رفاه ملت، یک پدیده یا یک فعالیت مفید و سود مندی است که اگر به شیوه درست و مناسب در جامعه پیش برده شود، در رفاه و آسایش مردم و نظم و ترتیب امور کمک شایانی می تواند انجام دهد. اما متأسفانه در کشور ما کسانی به اسم قوماندانان، ارباب، متنفذ، بزرگ قوم و غیره به نام سیاست هر روز انواع و اقسام معامله گری ها و دلالتی گری ها را انجام می دهند و به اسم دفاع از حقوق مردم، پیوسته باعث ضیاع حقوق و امتیازات مردم می گردند. در ولایت ما، تعدادی از این افراد هر رژیمی که می آید خود را به آن می چسبانند و به هر والی و رییس و آمری که از دیگر ولایات به غور استخدام می شوند به انحای مختلف خود را نزدیک می کنند و به فکر سوء استفاده می شوند.

این دلال ها به نام خدمت به مردم در انتخابات ها گاهی به این کمپاین می روند و گاهی به آن کمپاین، سحر در سفره احمد صبحانه می خورند و شام در ضیافت و مهمانی محمود اشتراک می کنند و امروز از کلبی حمایت می نمایند و فردا از مقصود پشتیبانی می کنند؛ اما واقعیت این است که به همه دروغ می گویند و فقط و فقط به فکر جیب های خود می باشند. از آن طرف وقتی به نزد مردم می روند با زرنگی خود را حامی و مدافع منافع آنها قلمداد می کنند؛ ولی در واقعیت توسط همین مردم و با استفاده از نام همین مردم برای خود به جمع کردن مال و دارایی و ساختن خانه و دکان مصروف هستند. تعجب این است که مردم هیچ وقت این معامله گری ها و سوداگری های آنها را حس نمی کنند و به حرف های نرم و چرب آنها اعتماد می نمایند. این دلال ها نه به فکر مردم هستند و نه، به فکر رفاه و آرامش آنها. دلال ها به نام قوماندانان و ارباب و فلان و بستان فقط باعث بدبختی و تباهی مردم می شوند. دلال های فرصت طلب و قوماندانان های این الوقت به خاطر منافع شخصی خود بارها شده که دو قوم و دو طایفه را به جان هم انداخته و از احساسات مردم عوام استفاده کرده اند و به منظور پر کردن جیب های خودشان دو طایفه و دو قوم را به جنگ و خصومت انداخته اند و خودشان به سادگی مردم خنده کرده اند. دلالان و معامله گران به دنبال کدام هدف و مرام خاصی نیستند، بلکه فقط به جیب خود و سنگینی ترازو چشم دوخته اند و حتا با پر رویی عجیب آنکس را که دیروز دشمن می گفتند امروز دوست خطاب می کنند و فردا معلوم نیست که چه تصمیمی می گیرند؟

اما آنچه مهم است این است که در این شرایط حساس و سرنوشت ساز که از نظر قانون صلاحیت به خود مردم داده شده، شایسته است که ملت با رای دادن مستقلانه نماینده دلسوز و واقعی خویش را به پارلمان کشور بفرستند و بیشتر از این به چرب زبانی ها و دروغ ها و دشمن تراشی های این افراد (که فقط در تلاش گل آلود کردن آب هستند تا ماهی بگیرند) اعتماد نکنند و خودشان به دستان خویش سرنوشت خویش را رقم بزنند که خدا آن ملتی را سروری داد/ که تقدیرش به دست خویش بنوشت!

اولین ساعت در افغانستان

اولین ساعت در افغانستان در سال 1290 ش مطابق 1911 م از کمپنی از جویس لندن به قیمت 9500 روپیه هندی خریداری شد و در بالای برج قصر دلکشای ارگ کابل نصب گردید. ساعتی که از چهار طرف و چهارسمت وقت را نمایش می داد و توسط یک ماشین حرکت می کرد و وزن آن حدود دو خروار بود. چراغهای مخصوصی که در عقب آن نصب گردیده بود از طرف شب ساعت را روشن می نمود و ساعت در هر 15 دقیقه یک بار صدا می کرد و با تکمیل هر ساعت زنگ مخصوصی به صدا می آمد، یعنی ساعت یک بجه یک زنگ، ساعت دو بجه دوزنگ و ساعت 12 بجه دوازده زنگ به صدای پیانو ماندی آهنگ مطبوعی را به شهریان کابل می نواخت. ساعت دیگری هم مانند آن، بعد از چند سال خریداری شده و در «پل محمود خان» بالای برج بلندی نصب گردیده بود. شهریان کابل از فاصله های دور می توانستند توسط ساعت های مذکور وقت را بشناسند.

با کودتای 7 ثور 1357 ساعت دلکشا مورد اصابت بم طیاره قرار گرفته از بین رفت و ساعت پل محمود خان در سال 1371 در جنگهای تنظیمی محو گردید. اکنون نه تنها آثار ساعت های مذکور باقی نمانده، بلکه آثار برج های آنها نیز از میان رفته است.

ارسالی عصمت الله احمدی فرزند نصرالله معلم صنف نهم مکتب متوسط قریه کندبوال، برگرفته از مجله هموطن.

صاحب امتیاز: ریاست معارف غور

مدیر مسئول: نبی ساقی

سر دبیر: نجیب الله احسان

گزارشگر:

برگ آرای: خان محمد سیلاب

عکس: احمد غفوری

آدرس الکترونیکی: n.saqee@gmail.com

گروه نویسندگان: الحاج غلام سخی حبیبی، محمد نصیر نصرت، غلام محمد نقشبندی، محمد ابراهیم خلیلی و میرزا گل اکرمی.

آدرس دفتر: ریاست معارف غور - مدیریت نشرات.

تلفون: 0799301212

0797075195